



## Encouragement and Punishment Patterns from the Perspective of Nahj al-Balaghah with an Emphasis on the Second Seven Years (Childhood) of Education and Upbringing \*

Mehdi Mohammad Mirzayi<sup>1</sup> and Mahshid Izadi<sup>2</sup> and Fahimeh Ansarian<sup>3</sup> and Masoumeh Samadi<sup>4</sup>

### Abstract



Encouragement and punishment are two important methods in human education and upbringing, especially in the development of personality and normative behavioral patterns. This is because human nature tends to perform tasks better when encouraged, while feeling demotivated and disheartened when subjected to discipline, admonishment, or negligence, leading to a sense of humiliation and weakness, thereby inhibiting the optimal utilization of their talents. Therefore, this research aims to design a model of encouragement and punishment from the perspective of Nahj al-Balaghah. The descriptive-survey method is employed, utilizing library resources and seeking the opinions of experts in educational matters through the Delphi method, based on content analysis. The findings can be summarized as follows: According to experts and specialists in educational matters, verbal encouragement patterns hold the highest rank, while non-physical punishment patterns have the highest rank in improving educational and upbringing conditions.

**Keywords:** Model, Encouragement, Punishment, Child, Upbringing, Nahj al-Balagha (Peak of Eloquence).

\*. **Date of receiving:** 25/03/1401 (June 15, 2022), **Date of approval:** 06/05/1401 (July 27, 2022).

1. PhD Candidate in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; Corresponding Author; (mmmirzayi114@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; (dr.izadi.mahshid1452@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran; (f.ansarian110@yahoo.com).

4. Associate Professor, Research Department of Education, Institute for Research in Education, Tehran, Iran; (fsamadi30@yahoo.com).



## الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج البلاغه با تأکید بر هفت سال دوم (کودکی) تعلیم و تربیت\*

مهدی محمد میرزایی<sup>۱</sup> و مهشید ایزدی<sup>۲</sup> و فهمیه انصاریان<sup>۳</sup> و معصومه صمدی<sup>۴</sup>



### چکیده

دو عامل تشویق و تنبیه، از روش‌های مهم در تعلیم و تربیت انسان، به‌ویژه در تحوّل شخصیت و کنش‌های رفتاری بهنجار ایشان می‌باشند؛ زیرا طبیعت او به‌گونه‌ای است که وقتی در انجام امور، مورد تشویق قرار می‌گیرد، معمولاً در صدد برمی‌آید تا آن امور را بهتر انجام دهد و برعکس انسانی که مورد تنبیه، نکوهش یا ناسپاسی قرار می‌گیرد، دل‌سرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند، و نمی‌تواند از استعدادهای خویش به‌نحو مطلوبی استفاده نماید. لذا این پژوهش با هدف طراحی الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج البلاغه، با روش توصیفی - پیمایشی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و کسب دیدگاه متخصصان و خبرگان در امور تربیتی با استفاده از روش دلفی، مبتنی بر شیوه تحلیل مضمون، مورد اعتباربخشی قرار گرفت که نتایج آن به این شرح می‌باشد: از دیدگاه متخصصان و خبرگان در امور تربیتی، الگوی تشویق کلامی تعریف بالاترین رتبه، و الگوی تنبیه غیربدنی تذکر بالاترین رتبه را در بهبود اوضاع تعلیم و تربیت دارند.

واژگان کلیدی: الگو، تشویق، تنبیه، کودک، تربیت، نهج البلاغه.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛ (mimirzayi114@gmail.com).
۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (dr.izadi.mahshid1452@gmail.com).
۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (f.ansarian110@yahoo.com).
۴. دانشیار گروه پژوهشی تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران؛ (fsamadi30@yahoo.com).



## مقدمه

نهج‌البلاغه این گنجینه غنی معارف دین اسلام که اهمیّت آن در معارف اسلامی و آموزه‌های دینی بر همگان روشن است، به‌کارگیری شیوه‌های تشویق و تنبیه را به‌عنوان سیره امام علی (علیه السلام) در تعلیم و تربیت و هدایت فرد به‌سوی بهشت نشان می‌دهد. امام (علیه السلام) درباره فلسفه و نقش پاداش و کیفر الهی در تعلیم و تربیت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ، وَحِيَاثَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ: همانا خداوند پاداش را (تشویق) بر اطاعت، و کیفر را (تنبیه) بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به‌سوی بهشت بکشانند» (حکمت ۳۶۸).

امام علی (علیه السلام) حتی در سفارشات خود به مالک اشتر نخعی چنین می‌فرماید: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْأَحْسَانِ فِي الْأَحْسَانِ، وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْأَسَاءَةِ عَلَى الْأَسَاءَةِ: و نباید که نیکوکار و بدکردار در نزد تو یکسان باشند؛ زیرا این کار سبب می‌شود که نیکوکاران را به نیکوکاری رغبتی نماند و بدکاران را به بدکاری رغبت بیفزاید» (نامه ۵۳).

به همین علت حضرت (علیه السلام) تشویق کارکنان خدوم و نیز تنبیه کارمندان شرور را از مختصات مهم یک نظام اداری به‌سامان می‌دانست که این مطلب در حکومت پنج‌ساله امام (علیه السلام) تبلور ویژه‌ای داشت، به‌خصوص آنکه رهبری و مدیریت ایشان - به‌عنوان نمونه‌ای عملی و تجربه‌شده - جایگاه خاصی در مدیریت اسلامی دارد و سیره حکومتی حضرت (علیه السلام)، الگوی مناسبی برای دولتمردان نظام اسلامی است. امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، از دوروش تشویق و تنبیه برای هدایت مردم به راه حق، بهره‌جسته و به کارگزاران خود سفارش می‌کرد که از تشویق و تنبیه برای واداشتن زیردستان، به‌کوشش اجتماعی بهره‌بگیرند (صحافی، جاویدان، ۱۳۹۴: ۷۱۳). امام (علیه السلام) به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی برای مدیریت درست اجتماعی، فرمانداران و استانداران شایسته خود را مورد تشویق، و خطاکاران آنها را نیز توبیخ و تنبیه می‌کرد (هاشمی، ۱۳۹۷).

پیشوای عدالت‌خواهان پس از حسابرسی دقیق از کارگزاران، به ارزش‌گذاری عملکرد آنان می‌پرداخت و با تشویق و تنبیه، بین افراد نیکوکار و بدکار تفاوت قائل می‌شد. ایشان کارگزاران متجاوز را با صلابت و عدالت مجازات می‌نمود و از مسئولان متعهد با رحمت و شفقت قدردانی می‌کرد. اما با این همه، تشویق و تنبیه در مدیریت علوی، تک‌ساحتی و ناظر به یک حیطه خاص مدیریتی نبود؛ بلکه قلمرویی فراگیر داشت و مشمول تمام عرصه‌های جامعه اسلامی می‌گردید (مردانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

بنابراین، از آن‌جا که هرگونه تغییر و اصلاح در برنامه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، مستلزم بررسی عمیق و واقع‌بینانه وضع موجود است، شناخت دقیق الگوهای تشویق و تنبیه معمول در جامعه،

بر مبنای یک تحقیق علمی ضروری است. با توجه به کمبود تحقیقات در زمینه الگوهای تشویق و تنبیه و اثرات آن بر فرایند تعلیم و تربیت انسان، محقق در این مقاله به جهت پاسخ به سؤال: الگوی تشویق و تنبیه از منظر نهج البلاغه چگونه است؟، در صدد است که بتواند به بیان اهمیت تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، بر اساس سخنان امام علی (علیه السلام) در کتاب شریف نهج البلاغه و نیز ارائه الگوهای مناسب تشویق و تنبیه در هفت سال دوم - کودکی - تعلیم و تربیت، با استفاده از دیدگاه متخصصان و خبرگان در امور تربیتی، در جهت ایجاد وضع مطلوب بپردازد.

در مورد بحث تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. چنان‌که قنبرلو (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تشویق و تنبیه بر اصلاح و تغییر رفتار دانش‌آموزان»، تشویق و تنبیه را دو روش فوق‌العاده مهم تعلیمی و تربیتی می‌داند که مورد تأکید عقل بوده، و دین مقدس اسلام، قرآن کریم و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به آن دو عنایت ویژه‌ای داشته‌اند.

رضایی‌خواه نیز (۱۳۹۸) در مقاله خود با موضوع «تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن» با هدف بهبود اخلاق و تربیت انسان‌ها، با بهره‌بردن از دو عامل پیشرفت تشویق و تنبیه اصولی و با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل و استخراج محتوا به این نتیجه می‌رسد که برای تعلیم و تربیت، امر تشویق و تنبیه، به‌عنوان یکی از عوامل مهم تلقی می‌شوند.

صحافی و جاویدان (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تمایز تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی با سایر دیدگاه‌ها»، با هدف بررسی وجه تمایز دیدگاه اسلام و سایر دیدگاه‌ها در عرصه تعلیم و تربیت، به این نتیجه می‌رسند که اصل تشویق و تنبیه، از اصول مهم اولیه در تعلیم و تربیت می‌باشند که بر اساس همین اصل، پیامبران و برگزیدگان الهی نیز بشارت و انذار را برای هدایت انسان‌ها به کار می‌بردند.

اما علی‌رغم تحقیقات انجام شده در زمینه تشویق و تنبیه، هنوز الگوی جامع و مدونی از منظر نهج البلاغه با تأکید بر هفت سال دوم - کودکی - تعلیم و تربیت، جهت اجرا در بین خانواده‌ها و مدارس طراحی نشده است که مقاله حاضر، به این مسأله اشاره دارد.

در مکتب تربیتی امام علی (علیه السلام) نمونه‌های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می‌خورد که نمایانگر ضرورت و اهمیت تشویق و تنبیه در نگاه آن حضرت (علیه السلام) است. از نظر ایشان انسان، موجودی است که روح خدا در او دمیده شده و استعدادها رسیدن به کمال در درون او گذاشته شده است. این استعدادها در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا می‌شوند که در این میان یکی از روش‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی، شیوه تشویق و تنبیه است. از آنجایی که شرایط و ویژگی‌های تربیتی در مراحل مختلف زندگی کاملاً متفاوت است و به میزان رشد و کیفیت هر مرحله بستگی دارد، از این جهت بحث از مراحل و شیوه‌های مناسب تعلیم و تربیت در مرحله مربوطه، از اهمیت خاصی برخوردار است.



## الف. تشویق در نهج‌البلاغه

به فرموده امام علی علیه السلام تشویق، عاملی در برانگیختن آدمیان به سوی اهداف تعلیم و تربیت و نیز وسیله‌ای برای تقویت انسان به تلاش بیشتر و فراهم کردن نشاط لازم است. به فرموده حضرت علیه السلام در تعلیم و تربیت، اصل بر تشویق است نه تنبیه؛ تنبیه فقط آن هنگام به کار گرفته می‌شود که روش‌های دیگر نتیجه ندهند، و چاره‌ای جز آن برای بیداری آدمی و درمان انسان نباشد. بر اساس روایات وارد شده از امام علیه السلام، نقش تربیتی مثبت تشویق، فقط برای نیکوکاران نیست؛ بلکه در صورت اصل قرارداد آن و فضایی از رحمت و محبت، می‌توان بدکاران را نیز با توجه به فطرت ایشان<sup>۱</sup> به درستی و نیکی متمایل ساخت (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۴۸۴).

به همین منظور امام علیه السلام در بیان روش برخورد صحیح با بدان، پاداش دادن به نیکوکار را عامل بازدارنده از تخلف بدکار می‌داند و می‌فرماید: «أزجر المیسىء بثواب المحسنين: با پاداش و تشویق نیکوکار، شخص بدکار و فاسد را از بدی باز دارید.» (حکمت ۱۷۷)

آنچه که بر اساس سخنان حضرت علیه السلام مهم می‌باشد این است که باید بین عمل فرد و میزان تشویق او، حد تناسب رعایت شده تا اثر مطلوب روا داشته شود. بدون این تناسب، یا افراط می‌شود و یا تفریط که هر دو بی‌تأثیر خواهند بود. (رضایی خواه، ۱۳۹۸) لذا امام علیه السلام برای جلوگیری از افراط و تفریط در تشویق، علت خاص بیان داشته و می‌فرماید: «الثناء بأكثر من الاستحقاق مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ: ستایش بیش از حد استحقاق، چاپلوسی است و کم‌گذاشتن از حد استحقاق، حسادت است.» (حکمت ۳۴۷).

### ۱. انواع تشویق از منظر امام علی علیه السلام

گونه‌های مختلف تشویق از منظر امیر مومنان علیه السلام به شرح ذیل است:

#### ۱-۱. تشویق کلامی

کلام، مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان است و تأثیری شگرف بر روح و روان آدمی دارد. کلام خوشایند می‌تواند دانش آموز را مجذوب و شیفته سازد، همچنان که کلام ناخوشایند، او را افسرده‌خاطر و محزون می‌سازد. لذا نیکویی و لطافت کلام، به میزان بسیار زیادی می‌تواند در تشویق و جذب متربی و پیشبرد اهداف مربی مؤثر باشد (دلفکار و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹). به همین منظور، انواع تشویق کلامی در بیان امام علیه السلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص که بر این اساس انسان، مایل به کمالات، نیکویی و دوست‌دار تشویق است، نه تنبیه. (دهانی، یحیی آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳)

## ۱-۱-۱. اعلام رضایت مندی

پس از آنکه پدر، مادر و متولیان امر تعلیم و تربیت در دوره‌ای بر متربی سخت گرفتند تا ضوابط را رعایت کند، باید رضایت مندی خود را از او اعلام کرد؛ زیرا اعلام رضایت به‌ویژه از طرف متولیان امر تعلیم و تربیت مدارس، متربی را خشنود می‌سازد. اما باید دانست که رضایت مادران نیز آرزنده است؛ ولی به دلیل مهرورزی همیشگی مادر به فرزند، تشویق و رضایت مادرانه برای فرزند، عادی است؛ ولی در مقابل، رضایت مندی پدر، برای او گوارتر و مهم‌تر جلوه می‌کند. (احمدخانی، افشار ۱۳۹۳: ۴۹).

امام علیه السلام نیز درباره یکی از فرماندارانش به نام عمر بن ابی سلمه مخزومی، اعلام رضایت مندی کرده و جهت تشویق او جملاتی می‌فرماید: «و نَزَعْتُ يَدَكَ بِلَا ذَمِّ لَكَ، وَ لَا تَثْرِيْبٍ عَلَيْكَ. فَلَقَدْ أَحْسَنْتَ الْوِلَايَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ فَأَقْبِلْ غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَلُومٍ وَ لَا مَتَّهِمٍ وَ لَا مَأْثُومٍ فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِيَ فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى جِهَادِ الْعُدُوِّ وَ إِقَامَةِ عَمُودِ الدِّينِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: تو را از فرمانداری آن سامان گرفتم، بی آن‌که سرزنشی برای تو وجود داشته باشد. به راستی تاکنون تو به خوبی فرمانروایی کرده‌ای و امانت را به جای آورده‌ای، پس بی آن‌که مورد کم‌ترین بدگمانی باشی، یا اتهام گناهی درباره تو مطرح باشد، به‌سوی ما بیا؛ حقیقت این است که به‌سوی ستمگران شام آهنگ کرده‌ام و دوست دارم تو نیز همراه من باشی؛ زیرا تو از کسانی هستی که به خواست خداوند در جهاد با دشمن و برپا داشتن ستون دین بر تو تکیه دارم» (نامه ۴۲).

لازم به ذکر است که بیان کارهای نیک انسان نیز نوعی حَقّ‌شناسی و اعلام رضایت مندی است. امام علیه السلام به‌منظور تشویق، به مالک اشتر نخعی می‌نویسد: «أَمَّا بَعْدُ! فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ، وَ أَقْمَعُ بِهِ نَحْوَةَ الْأَثِيمِ، وَ أَسُدُّ بِهِ لِهَآءِ الشَّعْرِ الْمُخُوفِ: اَمَّا بَعْدُ! هَمَانَا تَوَاز كَسَانِي هَسْتِي كِه دَر يَارِي دِينِ اَز أَنهَا كَمَكِ مِي گيرم و سرکشی گناهکاران را در هم می‌کوبم و مرزهای کشور اسلامی را که در تهدید دشمن قرار دارند، حفظ می‌کنم» (نامه ۴۶).

## ۲-۱-۱. تعريف

تعريف، به‌معنی نيكوشمردنِ عمل است و به‌هنگامي كه از فردي تعريف مي‌كنيد، رويحيه اُميدوارانه‌اي در او پديد مي‌آيد و خواهد كوشيد همان كار را تكرر كند و از تحسین ديگران برخوردار شود (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۱۴). تعريف به‌معنای توصيف كردن متربی نسبت به فعلی كه انجام داده است. در واقع، تعريف كردن از متربی، مرحله‌ای فراتر از اعلام رضایت مندی است؛ زیرا در اعلام رضایت، فقط رضایت مربی یا پدر و مادر، از متربی بیان شده؛ اما در تعريف كه مرحله‌ای بالاتر است، همراه با توصيف و تشبيه متربی می‌باشد.



امام علیه السلام نیز جهت تشکر از یارانش در جنگ صفین، در اوصاف آنها می‌فرماید: «وَأَنْتُمْ لَهَا مِيْمُ الْعَرَبِ، وَيَأْفِيحُ الشَّرْفِ، وَالْأَنْفُ الْمُقَدَّمُ، وَالسَّنَامُ الْأَعْظَمُ. وَ لَقَدْ سَفَى وَ حَاوَحَ صَدْرِي أَنْ رَأَيْتُكُمْ بِأَخْرَةِ تَحُورُوتُهُمْ كَمَا حَارُوكُمْ، وَ تَزِيلُونَهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ كَمَا أَرَالُوكُمْ: در حالی که شما از بزرگان عرب و از سران شرف می‌باشید، برازندگی چشمگیری دارید و قله‌های سرفراز و بلند قامتید. سرانجام سوزش سینه‌ام با مقاومت و حملات دلاورانه شما تسکین یافت که دیدم شامیان را هزیمت دادید و صف‌های آنان را در هم شکستید و آنان را از لشکرگاه خود راندید، آن‌گونه که آنها شما را کنار زدند» (خطبه ۱۰۷).

### ۱-۳. دعا و طلب رحمت

دعا برای متربی و طلب رحمت برای وی، در پی اعمال نیکی که انجام می‌دهد، در واقع شیوه‌ای جهت تأیید و توجه ویژه به آن عمل و تشویق کلامی او برای استمرار آن رفتار پسندیده است (احمدخانی، افشار، ۱۳۹۳: ۵۰).

امام علیه السلام به جهت تشویق کسی که کنترل نفس خود را دارد می‌فرماید: «فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَزَعَّ عَنْ شَهْوَتِهِ، وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مَنْرِعًا، وَ إِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْزِعُ إِلَيَّ مَعْصِيَةً فِي هَوَى: پس رحمت خداوند بر کسی که شهوات خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند؛ زیرا کار مشکل، بازداشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است» (خطبه ۱۷۶).

امام علیه السلام در جای دیگری از نهج‌البلاغه نسبت به یاران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَ جَزَاكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرٍ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَحْسَنَ مَا يَجْزِي الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ، وَ الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ، فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ، وَ دُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ: خداوند شما مردم کوفه را که از اهل بیت پیامبرتان صلی الله علیه و آله حمایت کردید، پاداش نیکو دهد؛ بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار و سپاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید؛ زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فراخوانده شدید و بسیج گشتید» (نامه ۲).

### ۱-۴. تجلیل و یاد

امام علیه السلام در سخنان خود، به خاطر تشویق دیگران و محبتی که نسبت به برخی از یاران خود داشت، از آنها همواره تجلیل و یاد کرده و می‌فرمود: «أَيْنَ إِخْوَانِي الْمَذِينِ رَكَبُوا الطَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ، أَيْنَ عَمَّارٌ، وَ أَيْنَ ابْنُ التَّيْهَانِ، وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ: کجا هستند آن برادران من که راه مستقیم حق را پیش گرفتند و با حق نیز درگذشتند؟ کجاست عمّار؟ کجاست پسر تیهان؟ کجاست ذوالشهادتین؟» (خطبه ۱۸۲) و یا امام علیه السلام در سفارشات خود به مالک اشتر نخعی، نسبت به شیوه تشویق سپاهیان خود می‌فرماید: «وَ وَاصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَ تَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُووُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَذْكَرِ لِحُسْنِ أفعالِهِمْ تَهْرُ



الشُّجَاعَ، وَ تُحَرِّضُ النَّكَّالَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى: و همواره آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته به نیکیشان بستای، و رنج‌هایی را که تحمل کرده‌اند همواره بر زبان آر؛ زیرا یاد کردن از کارهای نیکشان، دلیران و شجاعان را برمی‌انگیزد و از کارمندگان را به کار و تلاش ترغیب می‌کند.» (نامه ۵۳).

#### ۱-۵. بیان پاداش‌های بهشتی

یکی دیگر از روش‌های تشویق کلامی، بیان وعده‌ها و پاداش‌هایی است که مربی در آینده به مربی عطا می‌کند. در قرآن و روایات متعدّد، از این نوع تشویق کلامی به وفور استفاده شده است و خداوند در آیات بسیاری به مؤمنان، وعده پاداش‌های متنوع بهشتی را داده است.

امام علیه السلام نیز به جهت تشویق مردم، از این روش در موارد متعدّدی استفاده نموده است. ایشان در تشویق مردم به جهاد می‌فرماید: «وَاللَّهُ مُسْتَأْذِيكُمْ سُكْرَهُ، وَ مُؤَرِّثُكُمْ أَمْرَهُ، وَ مُمְهِلُكُمْ فِي مِضْمَارٍ مَحْدُودٍ لِيَتَنَازَعُوا سَبْقَهُ، فَشُدُّوا عُقْدَ الْمَازِرِ، وَ اطُّوْا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيْمَةٌ وَ وَلِيْمَةٌ. مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعِرَائِمِ الْيَوْمِ وَ أَمَحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيْرِ الْهَمَمِ: خداوند شکرگزاری را بر عهده شما نهاده و امر حکومت را در دست شما گذارده و فرصت مناسب در اختیارتان قرار داد تا برای جایزه بهشت با هم ستیز کنید. پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به‌دست آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست. چه بسا خواب‌های شب که تصمیم‌های روز را از بین برده و تاریکی‌های فراموشی که همت‌های بلند را نابود کرده است» (خطبه ۲۴۱).

همچنین ایشان در جای دیگر به جهت تشویق بندگان صالح خدا می‌فرماید: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامُهُمْ تَالِيْنَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يَرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً، يَحْرَنُونَ بِه أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِه دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعاً، وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقاً، وَ طُنُّوا أَنَّهَا نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ: پرهیزکاران شب را بر پا می‌ایستند و بخش‌هایی از قرآن را چنان با ترتیل تلاوت می‌کنند که آتش درون را شعله‌ور و داغ فراق را تازه می‌کنند و بر اندوه هجران می‌افزایند و با آن به درمان دردشان می‌کوشند. چون به آیه‌ای می‌رسند که در آن گونه‌ای از تشویق است با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پُرشوق در آن خیره شوند و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت در برابر دیدگانشان قرار دارد» (خطبه ۱۹۳).

امام علیه السلام در بیان پاداش خداوند برای بندگی کردن مخلوقات هم می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ خَالِقاً وَ مَعْبُوداً بِحُسْنِ بِلَايِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَاراً وَ جَعَلْتَ فِيهَا مَادَّةً مَشْرَباً وَ مَطْعَمًا وَ أَرْوَاجاً وَ خَدَمًا وَ قُصُوراً وَ أَنْهَاراً وَ زُرُوعاً وَ ثَمَاراً ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِيًا يَدْعُو إِلَيْهَا: خداوند! ای منزّه از همه نقایص در خالقیت و معبودیت که مخلوقات را برای آزمایش نیکو آفریدی. خانه‌ای بس با عظمت به وجود آوردی، و خوانی بی‌دریغ در آن بگستریدی. در آن خوان بی‌دریغ، انواع آشامیدنی، خوردنی، همسران، خدمتکاران، کاخ‌های مجلّل، چشمه‌سارها، مزارع و میوه‌ها قرار دادی. خداوند! سپس دعوت‌کننده‌ای فرستادی که مردم را به سوی آن سرای جاودانی دعوت نماید» (خطبه ۱۰۹).





## ۲-۱. تشویق مادی

بسیاری از شیوه‌های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، انسان را به انجام رفتار نیک، دل‌گرم سازند. اما گاهی مواقع باید از روش‌های مادی نیز استفاده نمود. برآورده کردن آرزو و خواسته‌های متربی، از جمله موارد تشویق‌های مادی است که در موارد متعدد، اهل بیت علیهم‌السلام از این روش استفاده نموده‌اند؛ مانند تشویق مالی که امام حسین علیه‌السلام به معلّم فرزندش به جهت تعلیم سوره حمد انجام داد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۶/۴).

آرزو یعنی آنچه که انسان در زندگی یا در دنیای هستی تمنا می‌کند. همچنین در تعریف آرزو گفته‌اند: یک‌سری خواسته‌ها و منویات آدمی در جهت رشد و تعالی معیارهای زندگی خود در حال یا آینده که به مرور زمان این آرزوها بر اساس شرایط و موقعیت زمانی و مکانی در تغییر است که برآورده کردن آنها، موجب ترقی و تکامل آدمی بوده و از نظر دین اسلام ممدوح می‌باشد (خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، ۱۳۹۳).

امام علی علیه‌السلام نیز از این شیوه تشویق مادی و غیرکلامی استفاده نموده، و در یکی از سفارشات خود به مالک اشتر نخعی، توصیه می‌نماید که نسبت به سپاهیان خود تشویقات مادی نیز داشته باشد. ایشان در این زمینه به مالک اشتر می‌فرماید: «فَأَفْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ: پس آرزوهای سپاهیان را برآور» (نامه ۵۳).

## ۳-۱. تشویق ارزشی (معنوی)

گاه در نهج‌البلاغه، به تشویق‌هایی بر می‌خوریم که با شیوه‌های یاد شده تفاوت دارد. این نوع تشویق‌ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت‌های بهشتی از ارزش بیشتری برخوردار است؛ و اگر به این دنیا مربوط باشد، از تشویق‌های مادی برتر است. (قنبرلو، ۱۳۹۹: ۱۰) پدر، مادر و مربیان نیز می‌توانند از این شیوه بهره گیرند و متربی را به خود نزدیک کنند و همنشین محفل انس خود سازند. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۱) به همین منظور، انواع تشویق ارزشی (معنوی) در بیان امام علیه‌السلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱-۳-۱. رُتبه دادن

کلمه رُتبه در لغت‌نامه دهخدا به معنای قدر و منزلت و جاه، درجه و طبقه، مرتبه و پایه، منصب و مقام ... می‌باشد که در اهمّیت استفاده از این روش در تعلیم و تربیت، امام علیه‌السلام نسبت به تشویق ارزشی (معنوی) سربازانی که استقامت می‌ورزند، رُتبه بالای شهادت را قرار داده و می‌فرماید: «الزُّمُوا الْأَرْضَ وَ اضْبِرُّوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تَحْرُكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى الْأَسْتَيْكُم وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلْهُ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ

عَلَى اللَّهِ وَاسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا تَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا: سربازان! در زمین خود آرام بگیرید و دست‌ها و شمشیرهایتان را با سخنان بی‌پایه زبانتان به حرکت درنیاورید؛ و درباره چیزی که خداوند آن را برای شما به تعجیل نخواست است، شتابزده نباشید؛ زیرا کسی از شما که با معرفتِ حق خدا و حق رسول خدا و اهل بیتش علیهم‌السلام در رختخوابش چشم از این دنیا بپوشد، از این دنیا شهید رفته و پاداش او بر خدا است و چنین شخصی مستحق ثواب نیتی است که برای انجام عمل صالح نموده و همان نیت جانشین کشیدن شمشیر (در میدان جهاد) است؛ (پس عجله نکنید) زیرا برای هر چیزی مدتی و پایانی است.» (خطبه ۱۹۰)

### ۱-۲-۳. همراهی و حمایت

کلمه همراهی در لغت‌نامه دهخدا به معنای کمک، مساعدت، مُعاضدت، رفاقت، یاری و... آمده است. این شیوه از الگوی تشویق ارزشی (معنوی)، آن قدر اهمیت دارد که امام علیه‌السلام نسبت به تشویق کسانی که پایبند به دین اسلام و قوانین آن باشند می‌فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ عَلَمًا فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ، وَ إِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ، وَ اخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَ بَيْنَ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ، أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ وَ حَجِيجٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ: همانا پرچم هدایتی برای شما برافراشتند، با آن هدایت شوید؛ و برای اسلام نیز هدفی است، به آن دسترسی پیدا کنید و با انجام واجبات، حقوق الهی را ادا کنید که وظایف شما را آشکارا بیان کرده؛ و من گواه اعمال شما بوده و در روز قیامت از شما دفاع می‌کنم و به سود شما گواهی می‌دهم.» (خطبه ۱۷۶)

### ب. تنبیه در نهج البلاغه

به فرموده امام علی علیه‌السلام تنبیه در نهج البلاغه، عاملی جهت فراهم کردن بیم از بدی و نوعی ایمن‌سازی است، نه تخریب آدمی و شکستن حریم‌های ایمنی درونی. بدین معنا که تنبیه در حقیقت، بیدارسازی است تا شخص در نتیجه هوشیاری خود، به ایمن‌سازی حریم‌های وجودی خویش دست یازد و از بدی دوری نماید؛ زیرا انسان، پیوسته در معرض اشتباه است و نفس سرکش او تا به دست خودش مهار نشود، ایشان را به گناه می‌کشاند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۴۸۷).

امام علیه‌السلام به دلیل اهمیت که به سرنوشت مردم می‌داد و حساسیت خاصی که نسبت به جان و مال مردم داشت، دائماً در نهایت رأفت، اعمال کارگزاران را کنترل کرده و با هشدار، آنها را از خیانت بر حذر می‌داشت. اگر خبر می‌رسید که یکی از کارگزاران با مردم تندخویی کرده و یا در امانت خیانت ورزیده، به سرعت اقدام می‌کرد و ابتدا آنها را به نرمی و با یادآوری خداوند و ترس از عقوبت گناه هشدار می‌داد و سپس در صورت تکرار، قاطعانه برخورد می‌کرد (کرباسی عامل، ۱۳۹۱).



چنان‌که به فرموده ایشان، پیامبر اکرم ﷺ نیز نسبت به اهداف رسالت تربیتی خود این‌گونه بود: «و مِنْهَا طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ؛ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَ آذَانِ صُمَّ، وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ، مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ: وَ پیامبر ﷺ طبیبی است که به وسیله طب خویش، برای درمان بیماری‌های گوناگون مردم، سیار است؛ به تحقیق مرهم‌های شفابخش او آماده؛ و آزار داغ‌کردن زخم‌ها را گذاخته؛ و برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است» (خطبه ۱۰۸).

بر این اساس، اگر چه تشویق باعث ایجاد شوق در انسان می‌شود، تنبیه هم باعث ایجاد خوف و دقت در او می‌شود. باید توجه داشت که نفس آدمی هم به «رجاء»، و هم به «خوف» نیاز دارد تا در زندگی و سیر و سلوک خویش، نه از حرکت باز ایستد و نه کج برود (عبدالرحیمی، سهرابی، ۱۳۹۸: ۸۷).

اما نکته مهم اینجا است که به فرموده حضرت ﷺ، از زیان‌های تنبیه هم نباید غافل شد: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً فَاتُوهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمَى: همانا دل‌ها را روی آوردن و پشت‌کردنی است، پس دل‌ها را آن‌گاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری وادارید کور می‌گردد» (حکمت ۱۹۳).

لذا امام ﷺ می‌فرماید: تا آنجا که ممکن است باید از روش تشویق بهره بگیریم، نه از روش تنبیه؛ و از تنبیه به‌عنوان آخرین شیوه درمان استفاده کرد و تا می‌شود با خطاکاران مُدارا کرد. «وَ أَخْلِطِ الشَّدَّةَ بِضَعْفٍ مِنَ اللَّيْنِ وَ أَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ: و سختی را با اندکی نرمی در هم بیامیز و مدارا و مهربانی کن هنگامی که مدارا کردن شایسته‌تر باشد؛ و در جایی که جز با درستی کار انجام نمی‌گیرد، درستی کن.» (نامه ۴۶).

امام ﷺ حتی در رابطه با ممنوعیت تبعیض در تنبیه و برخورد قاطع با خیانتکار، فرزندان خود را در نظر دارد و می‌فرماید: «وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ: به خدا قسم سوگند! اگر حسن و حسین ﷺ هم آنچه را تو انجام داده‌ای، مرتکب شده بودند، از من روی خوش نمی‌دیدند» (نامه ۴۱).

## ۲. انواع تنبیه از منظر امام علی ﷺ

تنبیه‌ها از منظر امیر مؤمنان به شرح ذیل است:

### ۱-۲. تنبیه غیربدنی

تنبیه، واپسین روش تربیتی است. به دیگر سخن، هرگاه والدین و مربیان، پس از به‌کار بستن شیوه‌های تشویقی برای اصلاح رفتار و تثبیت اخلاق شایسته در متربی، نتیجه‌ای به‌دست نیاوردند،

نوبت به تنبیه می‌رسد. در تنبیه نیز تنبیه غیر بدنی بر تنبیه بدنی مقدم است؛ یعنی هرگاه تنبیه غیر بدنی اثر نبخشید، نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۵).

تنبیه غیر بدنی عبارت است از استفاده از حرکات چهره‌ای منفی نظیر: آخم کردن، چشم غره رفتن، ترش رویی و... ویا استفاده از عبارات و الفاظ ناپسند؛ مانند: لقب دادن، ناسزا گفتن، داد و فریاد کردن و... و همچنین استفاده از روش‌های تحقیر، تهدید، توبیخ، سرزنش کردن و... (غفاری، حسینی، ۱۳۹۵: ۹۸).

منتهی با توجه به این که هدف از تنبیه، بیداری انسان است نه چیز دیگر، از منظر امام علیه السلام بین مجازات برادر دینی با شخص بیگانه‌ای که هیچ محبتی با وی نبوده نیز تفاوت وجود دارد و نحوه برخورد با برادر ایمانی، باید کریمانه باشد: «عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَ أَرْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ: برادرت را با احسان و نیکی کردن سرزنش کن و شرش را با بخشش، به او بازگردان.» (حکمت ۱۵۸)؛ زیرا نیکی و احسان به کسی که نسبت به ما بدی کرده، در واقع نوعی سرزنش رفتاری و غیرکلامی است که از مصادیق تنبیه غیر بدنی برشمرده می‌شود.

## ۲-۲. تذکر

این شیوه بدین معنا است که والدین و مربیان، متربی خطاکار را یا با اشاره و کنایه و یا به صورت غیرعلنی، در خلوت و به دور از چشم دیگران، متذکر می‌شوند (قائمی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۴۲). امام علیه السلام نیز به جهت تذکر، در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ! أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا، وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ، وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ؛ وَ أَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْعَةٍ، وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ، وَ أَنَّكَ طَرِيقُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ، وَ لَا يَفُوتُهُ طَالِبُهُ، وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ، فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يَدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ، قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ، فَيَحُولُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ. يَا بُنَيَّ! أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ، وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ حِذْرَكَ، وَ شَدَدَتْ لَهُ أَرْكَ، وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَةً فَيَبْهَرَكَ؛ وَ بَدَانَ إِي پَسْرَم! تورا برای آخرت آفریده‌اند نه برای دنیا؛ و برای فناء آفریده‌اند نه برای بقاء؛ و برای مرگ آفریده‌اند نه برای زندگی؛ در سرای هستی ناپایدار که باید از آن رخت بربندی، تنها روزی چند در آن خواهی زیست. راه تورا آخرت است و تو شکار مرگ هستی؛ مرگی که نه تورا از آن گریز است و نه گزیر، در پی هرکه باشد خواه و ناخواه او را خواهد یافت. پس از آن بترس که گرفتارت سازد و تو سرگرم گناه بوده باشی، به این امید که زان سپس توبه خواهی کرد؛ ولی مرگ میان تو و توبه‌ات حایل شود، و تو خود را تباه ساخته باشی. ای فرزندم! فراوان مرگ را یاد کن و هجوم ناگهانی آن را به خاطر داشته باش و در اندیشه پیشامدهای پس از مرگ باش تا چون مرگ به سراغت آید، مهیای آن شده، گم‌ر خود را بسته باشی، به گونه‌ای که فرارسیدنش به ناگهان مغلوبت نسازد.» (نامه ۳۱).



## ۳-۲. سخن تند

در استفاده از این شیوه، باید جنبه‌های تعلیمی و تربیتی نیز در نظر گرفته شود. از این رو، باید در اجرای آن از واژه‌های مناسب استفاده کرد و جنبه توهین‌آمیز نداشته باشد. همچنین باید به بهترین صورت با فرد خطاکار سخن بگوییم. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۷) البته باید دقت داشت که استفاده از این شیوه، چون عامل جریحه‌داری عواطف و دربرگیرنده لغاتی تند و زنده است، در مواردی خاص باید مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که در واقع راه مهر و ملامت و تذکر به روی والدین و مربیان بسته شده و آنان در مرزدار کردن رفتارشان با متربی، به بن‌بست رسیده باشند. (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹)

امام علیؑ نیز از این روش بهره برده و نسبت به برخی از یاران خود این‌گونه می‌فرماید: «یا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَ لَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولَ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمْ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَزَّثَ نَدْمًا وَ أَعَقَبَتْ سَدَمًا قَاتِلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْنُثُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَّعْتُمُونِي نُعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعُضْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ حَتَّى قَالَتْ قُرَيْشُ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَ لَكِنَّ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السَّيِّئِينَ وَ لَكِنَّ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يَطَاعُ: ای مرد نمایان نامرد! ای کودکی صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد، دوست داشتم اصلاً شما را نمی‌دیدم و نمی‌شناختم؛ این چه آشنایی است که به خدا سوگند موجب پشیمانی و سرانجام آن اندوه است. خدا مرگتان دهد که دلم را خون کردید و سینه‌ام را از خشم آکندید؛ و جرعه‌های غم را یکی پس از دیگری به کامم ریختید و با نافرمانی و کارشکنی تان اندیشه‌ام را تباه کردید تا آن‌جا که قریش گفت: پسر ابوطالب دلیر مرد است؛ اما از دانش نبرد بهره ندارد. خدا پدرشان را بیامرزد! آیا کسی از من جنگاورتر و در جبهه پُرسابقه‌تر هست؟ من هنوز بیست سال نداشتم که پای در جبهه گذاشتم تا امروز که شصت سال را پشت سر نهاده‌ام. اما چه کنم، آن کس که فرمانش را اجرا نکنند، رأی نخواهد داشت.» (خطبه ۲۷).

## ۴-۲. تهدید

آساس تهدید، هراساندن خطاکار از رُخ‌دادن امری است که از آن بیم دارد. تهدید، رسیدن به هدف را آسان‌تر می‌کند. با بهره‌گیری از تهدید می‌توان آدمی را از راهی که در پیش دارد، باز داشت و اجازه نداد که بی‌بندوبار و یا بی‌ضابطه باشد. زیرا او در پی تهدید، بر سر دو راهی قرار می‌گیرد. یک راه، تلاش برای رسیدن به خواسته‌ها است که به عذاب و سختی خواهد انجامید و راه دیگر، چشم‌پوشی از خطاها و برگزیدن راه مستقیم است که معمولاً اگر فرد، تهدید سختی را در برابر خود ببیند، راه دوم را برای خود

بر می‌گزیند. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۵) لازم به ذکر است که روش تهدید در تنبیه غیربدنی، معمولاً با لحن شدید و چهره گرفته فرد تنبیه‌کننده صورت می‌گیرد و قلمرو کاربرد آن، بیشتر از سن تمییز به بعد است (پاکدامن و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸).

امام علیه السلام نسبت به تنبیه مخالفان با حق و ترویج‌کنندگان باطل می‌فرماید: «وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالِ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ، وَ خَابَطَ الْغَيَّ، مِنْ إِذْهَانٍ وَلَا إِيْهَانٍ: سوگند به جان خودم! در جنگ و مبارزه با کسی که با حق مخالفت ورزید و در گمراهی و فساد قدم نهاد، هیچ‌گونه مسامحه و سستی در کار نخواهد بود.» (خطبه ۲۴) و یا حضرت علیه السلام نسبت به تنبیه انسانی که زبانش را کنترل نمی‌کند، می‌فرماید: «وَلِيُخْزِنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ، فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ: مرد بلید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد.» (خطبه ۱۷۶).

و در نهایت امام علیه السلام به جهت تنبیه انسان کج‌رفتار فرمود: «فَإِنْ أَنْتُمْ لَمْ تَسْتَقِيمُوا لِي عَلَيَّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِمَّنْ اعْوَجَّ مِنْكُمْ، ثُمَّ أُعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ، وَلَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُحْمَةً. فَخُذُوا هَذَا مِنْ أَمْرَائِكُمْ، وَ أَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا يَصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ: حال اگر شما پایداری نکنید، خوارترین افراد نزد من انسان کج‌رفتار است که او را به سختی کیفر خواهم داد و هیچ راه فراری نخواهد داشت. پس دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهانتان دریافت داشته و از فرماندهان خود در آن چه که خدا امور شما را اصلاح می‌کند، اطاعت کنید.» (نامه ۵۰).

امام علیه السلام در استفاده از این شیوه می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ! فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ، إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبِّيَّ، وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ، وَ أَخْزَيْتَ أَمَانَتَكَ. بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ، فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ، وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ. فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ: پس از یاد خداوند و درود! گزارش رسیده که کاری از تو سرزده است که اگر به راستی مرتکب آن شده باشی، بی‌تردید پروردگارت را به خشم آورده‌ای؛ و در برابر فرمان امام خویش عصیان ورزیده‌ای و امانت خود را به ابتدال کشاندی و خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس بی‌درنگ، ترازنامه مالیت را نزد من بفرست و این را بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم، بزرگ‌تر است.» (نامه ۴۰).

## ۵-۲. سرزنش

سرزنش کردن، شیوه فشار آرامی برای کنترل انسان است و معمولاً زمانی به کار می‌رود که آدمی از پندآموزی دیگران، طرفی نبسته و از خیرخواهی آنان بهره‌ای نبرده و در دامی گرفتار آمده باشد. بی‌شک وی با نگرانی و ناراحتی، افسوس خواهد خورد که چرا سخن بزرگان را نشنیده و مورد عنایت قرار نداده است. طبیعی است که سرزنش برای او از شکنجه، شلاق و زندان هم دردناک‌تر خواهد بود و روح و جان او را خواهد آزد (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۴۰).



امام علیه السلام به جهت نکوهش کوفیان می فرماید: «وَ عَلَى ابْتِلَائِي بِكُمْ أَيُّهَا الْفِرْقَةُ الَّتِي إِذَا أَمَرْتُ لَمْ تُطِعْ، وَإِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ، إِنَّ أُمَّهَلْتُمْ خُضُّتُمْ وَإِنْ حُورِبْتُمْ خُرُتُمْ. وَإِنْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيَّ إِمَامٍ طَعَنْتُمْ، وَإِنْ أُجِئْتُمْ إِلَى مُشَاقَّةٍ نَكَضْتُمْ. لَا أَبَا لِعَيْرِكُمْ! مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ وَالْجِهَادِ عَلَيَّ حَقِّكُمْ؟ أَلَمْ تَدُلُّ لَكُمْ؟ فَوَاللَّهِ لَئِنْ جَاءَ يَوْمِي - وَ لِيَأْتِيَنِي - لَيَفْرَقَنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ، وَ أَنَا لِصُحْبَتِكُمْ قَالٍ، وَ بِكُمْ غَيْرُ كَثِيرٍ: و خداوند را بر این گرفتار شدنم به شما کوفیان می ستایم. ای مردمی که هرگاه فرمان دادم اطاعت نکردید؛ و هر زمان شما را دعوت کردم پاسخ ندادید. هرگاه شما را مهلت می دهم در بیهودگی فرو می روید و در هنگامه جنگ سست و ناتوانید. اگر مردم اطراف امام خود جمع شوند، طعنه زده و اگر شما را برای حلّ مشکلی بخوانند سر باز می زنید. پدر مباد دشمنان شما را! برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید و چرا برای گرفتن حقّ خود جهاد نمی کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلّت هستید؟ به خدا سوگند، اگر مرگ من فرارسد - که حتماً خواهد رسید - بین من و شما جدایی خواهد افتاد؛ در حالی که من از هم نشینی با شما ناراحت و حضورتان برای من بی فایده بود.» (خطبه ۱۸۰).

امام علیه السلام به جهت تنبیه غیربدنی توده مردم کوفه می فرماید: «مُنِيْتُ بِمَنْ لَا يَطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَ لَا يَجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ. لَا أَبَا لَكُمْ مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينٌ يَجْمَعُكُمْ وَ لَا حَمِيَّةٌ تُحْمِسُكُمْ؟: گرفتار کسانی شده ام که چون امر می کنم فرمان نمی برند و چون آنها را فرا می خوانم، اجابت نمی کنند. ای مردم بی اصل و ریشه، در یاری پروردگارتان برای چه در انتظارید؟ آیا دینی ندارید که شما را گرد آورد و یا حمیت و غیرتی که شما را به خشم وا دارد؟» (خطبه ۳۹).

## ۶۲. اِخْطَار

اگر دیگر شیوه‌های تنبیه غیربدنی، ما را به هدف تعلیم و تربیت نرساند، باید به طور کتبی یا شفاهی، به انسان متخلف اِخْطَار داد و او را به اهمّیت این مسأله و خطری که آن را تهدید می کند، آگاه کرد. بر این اساس، این اِخْطَارها سبب می گردند که فرد خطاکار، دست از بی توجّهی و خروج از مرزها بردارد و راه و روش معقول را در پیش گیرد (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

امام علیه السلام به جهت اِخْطَار به زیاد بن ابیه می فرماید: «وَ إِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فَيٍّ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظُّهْرِ، ضَعِيلَ الْأَمْرِ: و من سوگند به خدا یاد می کنم، سوگند از روی راستی و درستی! اگر به من گزارش برسد که تو در بیت‌المال مسلمانان به چیزی اندک یا بزرگ خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده‌ای، بر تو سخت خواهم گرفت، چنان سخت‌گیری که تو را کم‌مایه و گران‌پشت و ذلیل و خوار گرداند (تورا از مقام و منزلت برکنار نموده، آن چه از بیت‌المال لندوخته‌ای، می ستانم؛ به طوری که درویش گردیده و تولنائی کشیدن بار مئونه و روزی عیال نداشته و در پیش مردم خوار و پست گردی)» (نامه ۲۰).

همچنین امام علیه السلام در نامه دیگری به فرماندار بصره (عثمان بن حنیف انصاری) این گونه می فرماید: «أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ! فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِئَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْحِقَانُ. وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ، عَائِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوءٌ. فَأَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْضَمُهُ مِنْ هَذَا الْمُقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ، وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ فَتَلَّ مِنْهُ...: پس از یاد خدا و درود، ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که یکی از جوانان اهل بصره تو را به طعام عروسی خوانده است و به سوی آن طعام شتابان رفته ای و خوردنی و خورشت های رنگارنگ گوارا برایت خواسته و کاسه های بزرگ به سویت آورده می شد. گمان نداشتم تو بروی به مهمانی گروهی که درویش و نیازمندشان را برانند و توانگرشان را بخوانند! پس نظر کن به آن چه دندان بر آن می نهی از این خوردنی و چیزی را که بر تو آشکار نیست (نمی دانی حلال است یا حرام) بیفکن (مخور)، و آنچه را که به پاکی راه های به دست آوردن آن دانائی (می دانی از راه حلال و درستکاری به دست آمده بخور) (نامه ۴۵). لذا این گونه بیان امام علیه السلام، در واقع هشدار و اخطاری است به دیگران که دیگر این نوع رفتارها تکرار نشود و در صورت تکرار آن، برخورد سخت گیرانه تری انجام خواهد شد.

## ۷-۲. توبیخ کردن

در صورتی که هشدارها و نگاه تند و ملامت بار نتوانند فرد متخلف را به راه آورد، می توان از کلمات و عباراتی که احساسات او را جریحه دار کرده و موجب بازگشت او از راه و برنامه خطا به راه درست شده استفاده کرد. البته باید دقت داشت توبیخ ها، چون عامل جریحه داری عواطف، و دربرگیرنده لغاتی زننده هستند، در مواردی خاص باید مورد استفاده قرار گیرند. (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۳۹)

امام علیه السلام نسبت به مصقله بن هبیره شیبانی، این گونه او را تنبیه و فرموده است: «بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنَّ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَشْخَطْتَ إِلَيْهِكَ، وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ. أَنَّكَ تَقْسِمُ فِيءِ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَازَنَهُ رِمَا حُهُمْ وَ خِيُولُهُمْ، وَ أَرَيْتَ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ، فِيمَنْ اعْتَمَاكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ. فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ، لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ حَقًّا لَتَجِدَنَّ لَكَ عَلَى هَوَانًا، وَ لَتَخَفَنَّ عِنْدِي مِيرَانًا. فَلَا تَسْتَهِنِ بِحَقِّ رَبِّكَ وَ لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحْقِ دِينِكَ، فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. أَلَا وَ إِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَ قَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْفِيءِ سَوَاءٌ؛ يَرِدُونَ عِنْدِي عَلَيْهِ وَ يَصْدُرُونَ عَنْهُ؛ غَزَارِشِي مِنْهُ: گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گرد آورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند، می بخشی. به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و





دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیان‌کارترین انسانی. آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال مساوی است؛ همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (نامه ۴۳).

## ۸-۲. بیرون راندن و برکناری

اگر همه مراحل تنبیه غیربدنی سودی نبخشید و انسان خطاکار، همچنان به اشتباه خود ادامه داد، تنها راه درمان، بیرون راندن او است. باید با بیرون راندن دانش‌آموز خطاکار از کلاس درس یا مدرسه، کارمند متخلف از محل کار و برکناری مسئول متخلف از مسئولیتش، آنان را تنبیه کرد. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۸) امام علی علیه السلام در نامه ۷۱، یکی از فرمانداران و کارگزاران حکومتی خود به نام مُنذر بن جارود عبدی را به دلیل خیانت و تجاوز در بیت‌المال، بلافاصله از مسئولیت خود برکنار و عزل نمود (کدخدایی، سلوک‌لایی، ۱۳۹۰: ۹۲).

امام علیه السلام فرمود: «فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رُقِيَ إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدْعُ لَهُوَكَ انْقِيَادًا، وَلَا تُبْقِي لِأَخْرَجِكَ عَتَادًا. تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ أَخْرَجِكَ، وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ. وَ لَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا، لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شِسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ، وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسَدَّ بِهِ نَفْرًا، أَوْ يَنْفَذَ بِهِ أَمْرًا، أَوْ يَعْلَى لَهُ قَدْرًا، أَوْ يَشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ، أَوْ يُؤَمِّنَ عَلَيَّ جَبَايَةَ: ناگهان به من خبر دادند که تو در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای. دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می‌کنی و برای پیوستن باخویشاوندانت از دین خداوند بُریده‌ای. اگر آن چه به من گزارش رسیده درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است؛ و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد و یا از خیانتی دور ماند» (نامه ۷۱).

نکته مهم در اجرای این شیوه، با توجه به این که جزء شدیدترین اقدامات تنبیه بوده این می‌باشد که این روش زمانی بلید به کار گرفته شود که فرد به‌طور کامل، خطاکار باشد و فراوانی رفتارهای تخلف‌آمیز وی، مکرر مشاهده گردد و این رفتارها به جاهای دیگر آسیب جدی وارد سازد (چترچی، فقیهی پور، ۱۳۹۹: ۹۰).

## ۹-۲. تنبیه بدنی

تنبیه بدنی به قصد تربیت و اصلاح نسل‌ها و بازدارای ایشان از لغزش، از بدو پیدایش جوامع و در دوره‌های مختلف، به صور گوناگون خود را متجلی ساخته است. امروزه قوانین جزائی در کشورهای مختلف، عاملی بازدارنده و از مصادیق تنبیه تلقی می‌شوند. دین اسلام در باب تنبیه، دیدگاه خاصی

دارد که از هرگونه افراط و تفریط منزّه است و به شیوه‌ای اعتدالی، تنبیه را در برخی موارد به شکل محدود برای اصلاح رفتارهای نامطلوب و با شروطی می‌پذیرد. البته قبل از آن، توصیه به شفقت کرده و بر این اساس حتی تنبیه بدنی را برای حیوانات هم نمی‌پسندد و به ترحّم بر آنها سفارش کرده است (کرباسی عامل، ۱۳۹۱).

این نکته را هم باید در نظر داشت که تنبیه بدنی غالباً سازنده نیست؛ بلکه به عنوان یک عامل بازدارنده در تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. انسان ممکن است از ترس تنبیه، به حسب ظاهر، دست از کار خطای خود بردارد و در حضور دیگران، آن کار را انجام ندهد؛ اما این عادت بدش، غالباً از بین نمی‌رود (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

بنابراین، اساس تعلیم و تربیت در آموزه‌های دینی بر گذشت، إغماض، رفق، مُدارا و در نظر داشتن غلبه تشویق بر تنبیه است. اصل بر این است که با استفاده از شیوه‌های محبت، انس، صفا و اخلاق کریمانه، انسان را به سوی مقصود جهت دهیم. ولی در مواردی که این جنبه‌ها مؤثر واقع نشدند، باید شیوه سختی را باز هم بر اساس حرکت از مُدارا به خشونت، راه سازندگی را در پیش گیریم که تنبیه بدنی در صف آن شیوه است (قائمی امیری، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

به همین منظور امام علیه السلام به جهت برخورد قاطع با خیانتکار می‌فرماید: «... فَاتَّقِ اللَّهَ وَازْدُدْ إِلَى هُوَلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَتْنِي اللَّهُ مِنْكَ لَأُعَذِّرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ، وَ لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا صَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ! وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لِهَمَّا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَ لَا ظَفِيرًا مَنِي يَأْرَادُهُ، حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُمَا، وَ أُرِيْلَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا...: پس از خدا بترس و مال‌های این گروه را به خود بازگردان که اگر این کار را نکرده باشی و خدا مرا به تو توانا گرداند، هر آینه درباره (به کیفر رساندن) تو نزد خدا عذر بیاورم و تو را به شمشیرم که کسی را به آن نزده‌ام، مگر آنکه در آتش دوزخ داخل شده بزنم. و به خدا سوگند اگر حسن و حسین علیهما السلام کرده بودند مانند آن چه تو کردی، با ایشان صلح و آشتی نمی‌کردم؛ و از من به خواهشی نمی‌رسیدند تا این که حق را از آنان بستانم و باطل رسیده از ستم آنها را دور سازم» (نامه ۴۱).

مُنتهی باید دقت کرد که به فرموده امام علیه السلام، در کنار اهمیت دادن به تنبیه بدنی باید حد اعتدال را نیز رعایت کرد: «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكَلْ بِهِ، وَ عَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ: پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، او را کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد؛ ولی کار به اسراف نکشد» (نامه ۵۳).



### ج. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش‌رو؛ بر اساس ماهیت و هویتی که دارد، از لحاظ هدف بنیادی است؛ به این دلیل که در این تحقیق کوشش می‌شود تا یک مدل جامع با استفاده از نگرش کیفی و با توجه به داده‌های کیفی جمع‌آوری شده و برای تشویق و تنبیه ارائه شود. همچنین در مورد روش‌شناسی تحقیق نیز باید گفت، در این پژوهش از روش تحقیق کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون استفاده شد که برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از داده‌های ثانویه استفاده گردید. این اسناد و مدارک شامل متن نهج‌البلاغه (منبع اصلی تحقیق) می‌باشد.

پس از بررسی منبع اصلی تحقیق، مؤلفه‌هایی به‌عنوان مضمون از متن اصلی استخراج و گدگذاری شدند. در مرحله بعد مضامین استخراج شده، جهت تأیید و صحت‌سنجی در اختیار ۱۲ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاهی متخصص در این حوزه قرار گرفت؛ و با استفاده از روش دلفی<sup>۱</sup>، طی ۳ مرحله، مضامین اصلی شناسایی و در نهایت مضامین استخراج شده از مرحله قبل با استفاده از آزمون اولویت‌بندی فریدمن، و مقیاس اندازه‌گیری پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم و بر اساس میانگین رتبه مرتب گردیدند که نتایج آن به ترتیب درجه به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

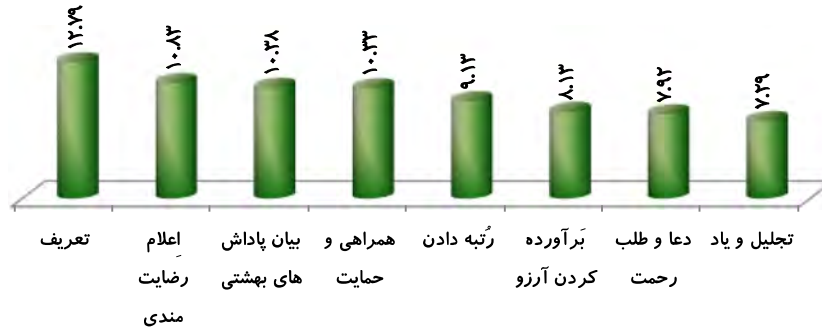
جدول (۱): ارائه مؤلفه‌های الگوی تشویق از منظر نهج‌البلاغه، در هفت سال دوم تعلیم و تربیت

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
9/13	ارزشی (معنوی)/رُتبه‌دادن	12/79	کلامی/تعریف
8/13	مادّی/برآورده کردن آرزو	10/83	کلامی/اعلام رضایت‌مندی
7/92	کلامی/دعا و طلب رحمت	10/38	کلامی/بیان پاداش‌های بهشتی
7/29	کلامی/تجلیل و یاد	10/33	ارزشی (معنوی)/همراهی و حمایت

۱. روش دلفی یا پنل خبرگان، فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از متخصصان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسش‌نامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد. لذا اساس و پایه روش دلفی بر این است که نظر متخصصان هر قلمرو و گروه علمی، صائب‌ترین نظر است. بنابراین، برخلاف روش‌های تحقیق پیمایشی، اعتبار روش دلفی، نه به تعداد شرکت‌کنندگان در تحقیق، که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش بستگی دارد. شرکت‌کنندگان در تحقیق دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر را شامل می‌شوند. (پناهی، ۱۳۹۴)

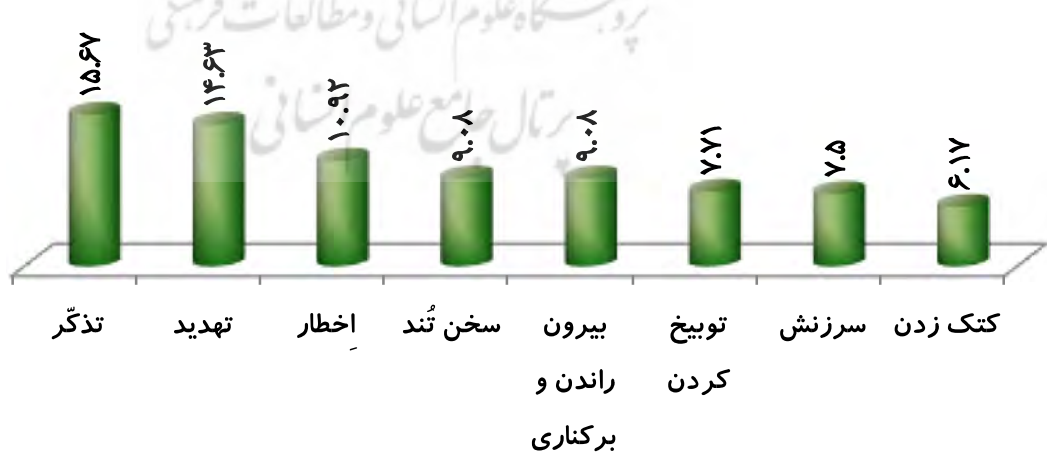
جدول (۲): ارائه مؤلفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج البلاغه، در هفت سال دوم تعلیم و تربیت

میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های الگوی تشویق از منظر نهج البلاغه در هفت سال دوم



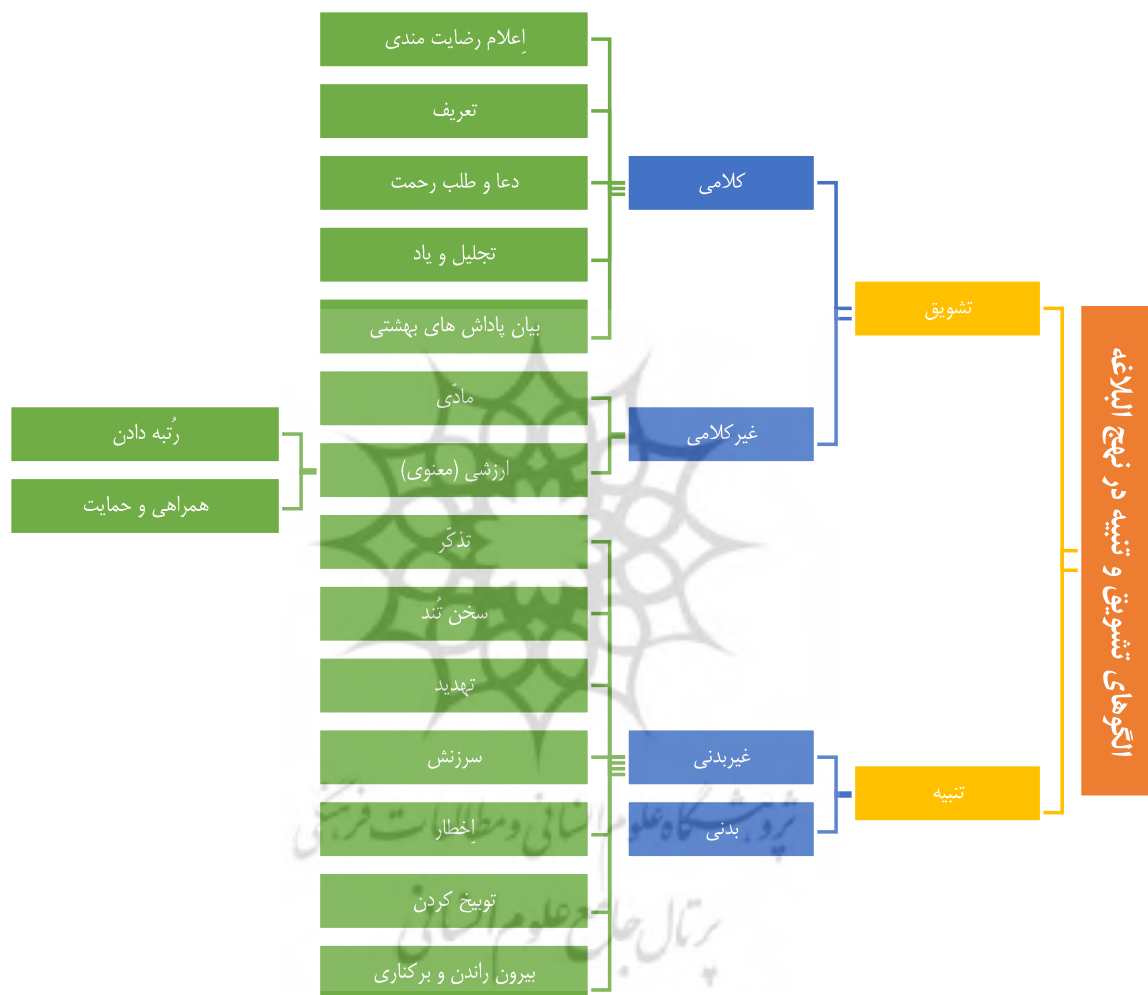
میانگین رتبه	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
9/08	غیر بدنی/بیرون راندن و برکناری	15/67	غیر بدنی/تذکر
7/71	غیر بدنی/توبیخ کردن	14/63	غیر بدنی/تهدید
7/50	غیر بدنی/سرزنش	10/92	غیر بدنی/اخطار
6/17	بدنی/اکتک زدن	9/08	غیر بدنی/اسخن تُند

میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج البلاغه در هفت سال دوم





### مدل مفهومی تحقیق



### نتیجه گیری

در مکتب تربیتی امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه، ضمن رعایت اصل تقدّم تشویق بر تنبیه، ایشان همواره مردم و یا کارگزاران خود را با در نظر داشتن نکات دقیق تربیتی، مورد تشویق و یا تنبیه قرار می داد. البته هرچند تنبیه، به‌عنوان عامل بازدارنده ممکن است انسان را از ارتکاب کارهای زشت باز دارد؛ ولی معمولاً انگیزه‌های درونی او را تغییر نمی‌دهد، و به اصلاح درون و تغییر در رفتار نمی‌انجامد. به همین دلیل، ریشه‌های رفتار نامطلوب در او باقی می‌ماند و راه درست رفتار کردن را نمی‌آموزد. در

مقابل، نقش تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت‌های درونی را برمی‌انگیزد و با تقویت روحیه آدمی، رفتار مطلوب در او می‌آفریند. از این رو، تشویق، بیشتر از تنبیه در اصلاح درون مؤثر می‌افتد (قنبرلو، ۱۳۹۹: ۸).

بر این اساس از نگاه امام علی (علیه السلام) هدف از اجرای هر دو روش تشویق و تنبیه، تربیت و اصلاح انسان است؛ چنانکه حضرت در کلامی شیوا از نقش تشویق و تنبیه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آداب صحیح تعلیم و تربیت، در اصلاح انسان‌ها سخن گفته و فرموده: «فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ، وَالْبَهَائِمَ (وَالْجَاهِلَ) لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ: انسان خردمند و عاقل، با تعلیم و تربیت‌های سازنده پند می‌گیرد، در صورتی که حیوانات (و یا انسان جاهل) با کتک‌زدن، پند می‌پذیرند» (نامه ۳۱). لذا عمده‌ترین مؤلفه‌های الگوی تشویق از منظر نهج البلاغه، در هفت سال دوم تعلیم و تربیت انسان، به ترتیب درجه عبارتند از: تعریف، اعلام رضایت‌مندی، بیان پاداش‌های بهشتی، همراهی و حمایت، رُتبه دادن، بر آورده کردن آرزو، دعا و طلب رحمت، تجلیل و یاد.

همچنین عمده‌ترین مؤلفه‌های الگوی تنبیه از منظر نهج البلاغه، در هفت سال دوم تعلیم و تربیت انسان، به ترتیب درجه عبارتند از: تذکر، تهدید، اخطار، سخن تند، بیرون راندن و برکناری، توبیخ کردن، سرزنش و کتک‌زدن.

پیشنهاد می‌گردد به جهت این که اثر تعلیمی و تربیتی مطلوب در تشویق و تنبیه حاصل شود، نکات ذیل در انجام‌دادن آن در نظر گرفته شود: ۱. تناسب تشویق و تنبیه با رفتار شخص؛ ۲. پرهیز از افراط و تفریط؛ ۳. توجه به هدف نبودن تشویق و تنبیه؛ ۴. قاطعیت در تنبیه و عدم تبعیض؛ ۵. به‌جا و به‌موقع بودن تشویق و تنبیه. ۶. اشاره به علت تشویق و یا تنبیه؛ ۷. اجرای تنبیه به‌صورت محرمانه و مرحله‌ای.



## فهرست منابع

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین محمد دشتی.
۲. احمدخانی، داود، و افشار، مهدی، تأثیر تشویق بر عملکرد کارکنان مورد مطالعه (فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران)، فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی غرب استان تهران، شماره ۲، سال اول، ۱۳۹۳ ش.
۳. پاکدامن، شهلا، پورعلمداری، پریرسا، و پیمان‌پاک، فایزه، سیره تربیتی پیشوایان دینی در مقابله با تنبیه بدنی کودکان، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، شماره ۱، سال هفتم، ۱۳۹۳ ش.
۴. پناهی، حمیدرضا، روش دلفی، ۱۳۹۴ ش، بازیابی شده از: <https://hr-panahi.blogspot.com>.
۵. چترچی، نوش‌آفرین، و فقیهی‌پور، جواد، شناسایی ابزارهای تنبیه کارکنان با رویکرد مدیریت بین نسلی در سازمان تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲، سال پانزدهم، ۱۳۹۹ ش.
۶. خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آرزو از نگاه قرآن/آرزو باید انسان را در مسیر رشد و تعالی قرار دهد، ۱۳۹۳ ش. بازیابی شده از: <https://lorestan.iqna.ir/fa/news/2795031>.
۷. دل‌افکار، علیرضا، جوادی، نصیرالدین، فقهی زاده، عبدالهادی، و امین‌ناجی، محمدهادی، اولویت رویکرد تشویق در تعلیم و تربیت بر اساس تقدیم و تأخیرهای لفظی قرآن و ارائه روش‌های قرآنی برای تحقق آن در آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱، سال چهارم، ۱۳۹۸ ش.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۴ ش.
۹. دهانی، هادی، و یحیی‌آبادی، محمد، نگاهی نوبه روش‌های تربیتی (الگوی، تشویق و تنبیه) معلّم بر تربیت اجتماعی کودک از منظر تعالیم اسلامی، سوّمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۶ ش.
۱۰. رضایی‌خواه، نرجس، تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن در مقالات نهمین جشنواره علامه حلّی، ۱۳۹۸ ش. بازیابی شده از: <https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir>.
۱۱. شعبانی، ابوالفضل، بررسی و تحلیل روش‌های رایج تشویق و تنبیه دانش‌آموزان در مدارس دوره ابتدایی و مرحله اول متوسطه و تطبیق آن با سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان مرکزی، ۱۳۹۳ ش.

۱۲. شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، دوره ۴ جلدی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۳. صحافی، فاطمه، و جاویدان، لیدا، بررسی تمایز تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی با سایر دیدگاه‌ها، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان، ۱۳۹۴ش.
۱۴. عبدالرحیمی، محمد، و سهرابی، حیدر، الگوی تنبیه بر اساس آیات قرآنی و سیره علوی در سازمان‌های آموزشی، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳، سال چهارم، ۱۳۹۸ش.
۱۵. غفاری، خلیل، و حسینی، سیدسعید، رابطه کاربرد شیوه‌های تشویق و تنبیه با عزت‌نفس دانش‌آموزان، فصلنامه روانشناسی-تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، شماره ۲، سال هفتم، ۱۳۹۵ش.
۱۶. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، چاپ چهارم، قم: انتشارات بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۰ش.
۱۷. قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۹۰ش.
۱۸. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، چاپ پنجم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۱۹. قنبرلو، پروین، تأثیر تشویق و تنبیه بر اصلاح و تغییر رفتار دانش‌آموزان، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم تحقیقات، شماره ۱۱، سال دوم، ۱۳۹۹ش.
۲۰. کدخدایی، عباسعلی، و سلوک‌لایی، محمّدفلاح، نظام تشویق و تنبیه کارگزاران حکومتی در اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۳، سال شانزدهم، ۱۳۹۰ش.
۲۱. کرباسی‌عامل، عبدالوهاب، ضرورت و چگونگی تشویق و تنبیه از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۹۱ش. بازیابی شده از: <https://rasekhoon.net/article/show/214331>.
۲۲. مردانی، مهدی، جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی (علیه السلام) با تأکید بر نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۳۱، ۱۳۹۰ش.
۲۳. هاشملو، جعفر، تشویق و تنبیه در نهج البلاغه، ۱۳۹۷ش. بازیابی شده از: <http://jafarhashemlou.blogfa.com/post/1404>





## Bibliography

1. *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Translated by the Late Hojjat al-Islam wa al-Muslimeen Mohammad Dashti.
2. Abdolrahimi, Mohammad Reza, *A Comparative Study of the Status of Encouragement and Punishment in the Educational System of Iran and Other Countries*, Iranian Journal of Educational Sociology, No. 1, Second Year, 1398 SH / 2019 CE.
3. Ahmadkhani, Davood, and Afshar, Mehdi, *The Impact of Encouragement on the Performance of Employees: A Case Study of Special Law Enforcement Commander in West Tehran Province*, Scientific Journal of Police Science of West Tehran Province, No. 2, First Year, 1393 SH / 2014 CE.
4. Chatrchi, Nushafrin, and Faghiehpour, Javad, *Identification of Employee Punishment Tools with a Generational Management Approach in the Social Security Organization*, Social Security Quarterly, No. 2, Fifteenth Year, 1399 SH / 2020 CE.
5. Dehani, Hadi, and Yahyaabadi, Mohammad, *A New Look at Teacher's Educational Methods (Modeling, Encouragement, and Punishment) on Children's Social Education from the Perspective of Islamic Teachings*, Third International Congress on Culture and Religious Thought, 1396 SH / 2017 CE.
6. Delafkar, Alireza, Javadi, Naseer al-Din, Faqhizadeh, Abdolhadi, and Aminnaji, Mohammad Hadi, *The Priority of the Encouragement Approach in Education Based on Quranic Verbal Introductions and Delays and Presenting Quranic Methods for Achieving it in Official and Public Education in the Country*, Journal of Applied Issues in Islamic Education, No. 1, Fourth Year, 1398 SH / 2019 CE.
7. Delshad Tehrani, Mostafa, *Mah Mehrparvar (The Love-Upbringer Moon)*, 7<sup>th</sup> Edition, Tehran: Darya Publications, 1394 SH / 2015 CE.
8. Farhadian, Reza, *Responsible Parents and Educators*, 4<sup>th</sup> Edition, Qom: Bustan Ketab Publications (Islamic Preaching Office of Qom Seminary), 1390 SH / 2011 CE.
9. Ghaffari, Khalil, and Hosseini, Seyyed Saeed, *The Relationship between the Application of Encouragement and Punishment Methods and Students' Self-esteem*, Journal of Educational Psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Campus, No. 2, Seventh Year, 1395 SH / 2016 CE.
10. Hashimlou, Jafar, *Encouragement and Punishment in Nahj al-Balaghah*, 1397 SH / 2018 CE. Retrieved from: <http://jafarHashimlou.blogfa.com/post/1404>.
11. International Quran News Agency (IQNA), *The Concept of Desire in the Quran: Desire Should Lead Humans towards Growth and Excellence*, 1393 SH / 2014 CE. Retrieved from: <https://lorestan.iqna.ir/fa/news/2795031>.
12. Kadkhudei, Abbassali, and Salooklaei, Mohammad Falahh, *The System of Encouragement and Punishment for Government Agents in Islam*, Islamic Government Scientific-Research Quarterly, No. 3, Sixteenth Year, 1390 SH / 2011 CE.
13. Karbasi Amel, Abdulwahhab, *The Necessity and Method of Encouragement and Punishment from the Perspective of Imam Ali*, 1391 SH / 2012 CE. Retrieved from: <https://rasekhoon.net/article/show/214331>.

14. Mardani, Mehdi, *The Position of Encouragement and Punishment in Alawi Management with Emphasis on Nahj al-Balaghah*, Journal of Nahj al-Balaghah Research, No. 31, 1390 SH / 2011 CE.
15. Pakdaman, Shahla, Pouralamdari, Parisa, and Peymanpak, Faizeh, *Educational Conduct of Religious Leaders in Dealing with Physical Punishment of Children*, International Journal of Human Rights, No. 1, Seventh Year, 1393 SH / 2014 CE.
16. Panahi, Hamidreza, *Delphi Method*, 1394 SH / 2015 CE, Retrieved from: <https://hr-panahi.blogspot.com>.
17. Qaemi Amiri, Ali, *Limits of Freedom in Education*, 4<sup>th</sup> Edition, Tehran: Society of Parents and Educators Publications, 1390 SH / 2011 CE.
18. Qaemi Moqaddam, Mohammad Reza, *Harmful Methods in Education from the Perspective of Islamic Education*, 5<sup>th</sup> Edition, Qom: Research Institute of Seminary and University, 1390 SH / 2011 CE.
19. Qanbarlou, Parvin, *The Effect of Encouragement and Punishment on Behavior Modification and Change in Students*, Journal of Contemporary Research in Research Sciences, No. 11, Second Year, 1399 SH / 2020 CE.
20. Rezaeikhah, Narjes, *Encouragement and Punishment from the Perspective of the Quran in the Articles of the 9<sup>th</sup> Allamah Hilli Festival*, 1398 SH / 2019 CE. Retrieved from: <https://pajoohesheostan-markazi.kowsarblog.ir>.
21. Sahafi, Fatemeh, and Javidan, Lida, *Differentiation of Encouragement and Punishment in Islamic Education Compared to Other Perspectives*, Second National Conference on Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Shadegan Branch, 1394 SH / 2015 CE.
22. Sha'bani, Abolfazl, *Examination and Analysis of Common Methods of Encouragement and Punishment for Elementary and First Intermediate School Students and Its Alignment with the Fundamental Transformation Document of Education and Training*, Master's Thesis, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Markazi Province, 1393 SH / 2014 CE.
23. Shahr Ashub Mazandarani, Mohammad bin Ali, *Manaqib al-Aal Abi Talib (Virtues of the Family of Abu Talib)*, 4-volume Set, Qom: Allamah Publications, 1379 SH / 2000 CE.